

اندرسه اسلامی 2

رشته تحصیلی: مهندسی صنایع شیمیایی
گردآوری: سمانه مکوندی

بخش یکم: وحی، پیامبری و دین

۱- وحی و پیامبری

مباحث نبوت از دو بخش نبوت عامه که درباره‌ی امور مشترک تمام پیامبران بحث می‌کند و نبوت خواصه که درباره‌ی پیامبر اسلام بحث می‌کند تشکیل می‌شود.

الف: معنا و مفهوم پیامبر

پیامبر بشری است که برای هدایت انسان‌ها برانگیخته شده تا معارفی را بدون واسطه‌ی انسان دیگر از مبدا الهی دریافت و ابلاغ نماید.

ب: معنا و مفهوم وحی

وحی در لغت معانی مختلفی از قبیل اشاره، سرعت، تفهیم و القای پنهانی مطلبی به دیگران آمده است. و در قرآن به چهار معنا استعمال شده است:

- ۱- اشاره پنهانی: درباره‌ی حضرت زکریا آمده است «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَعَشِيًّا»
- ۲- هدایت غریزی: در باره‌ی زبور عسل فرمود «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا»
- ۳- الهام: مانند الهامی که به مادر حضرت موسی شد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ»
- ۴- وحی تشریعی که این وحی شاخصه‌ی نبوت است

اقسام وحی تشریعی

- ۱- وحی مستقیم که بدون واسطه و به طور مستقیم بر قلب پیامبر نازل می‌شود
- ۲- ایجاد صوت از پشت حجاب که احدی جز پیامبر نمی‌شنود
- ۳- القای وحی به واسطه‌ی فرشته

ضرورت بعثت پیامبر با تاکید بر هدف خلقت

خداوند حکیم است و جهان را بر اساس هدفی آفریده است و او داناست و راه رسیدن به هدف را می‌داند و قادر است می‌تواند بشر را راهنمایی کند پس ضرورت دارد پیامبرانی از جانب خدا بیایند و انسان را به آن هدف راهنمایی کنند.

محدودیت‌های عقل بشری

یکی از هدایتگران انسان، عقل است ولی عقل نیز انسان را از بعثت انبیاء بی‌نیاز نمی‌کند چون عقل نیز دارای محدودیت‌هاست

۱- حکم عقل کلی و اجمالی است

۲- عقل در شناخت آثار اخروی اعمال انسان ناتوان است

۳- عقل در مرحله‌ی تشخیص و عمل آسیب‌پذیر است

بنابراین لازم است خداوند افزون بر عقل، هادیان دیگری برای هدایت انسان ارسال کند

شبهات منکران بعثت پیامبر

برخی از منکرین بعثت اشکال کرده‌اند که آموزه‌های وحیانی یا موافق احکام عقلی است یا مخالف آن. اگر موافق حکم عقل است، آمدن پیامبران لغو است چون نیازی به آنها نیست. و اگر مخالف احکام عقل است رد نمودن آنها واجب است.

پاسخ: آموزه‌های وحیانی اگر مخالف عقل باشند مردودند و اگر موافق عقل باشد مؤکد حکم عقلند. مضافاً بر اینکه آموزه‌های وحیانی احکامی را می‌آورند که فراحسی و فراعقلی هستند و از محدوده ادراک انسان خارجند

۲- رابطه‌ی علم و دین

در باره‌ی رابطه‌ی علم و دین سه نظر مهم وجود دارد:

۱- نظریه‌ی تعارض علم و دین

۲- نظریه‌ی به تمایز علم و دین

۳- نظریه‌ی مکمل بودن علم دین

نظریه‌ی تعارض علم و دین

تعارض نظریات کلیسا به عنوان متولیان دین با یافته‌های علمی این توهم را پیش آورد که علم و دین معارضند. وقتی گالیله نظریه‌ی خورشید مرکزی را مطرح نمود و کلیسا به مخالفت آن نظریه پرداخت و هنگامی که داروین نظریه‌ی تکامل انواع را مطرح نمود و کلیسا با آن مخالفت کرد دو مورد با نزاع علم دین به صورت گسترده مطرح گردید.

نظریه‌ی تمایز علم و دین

گروهی معتقدند علم و دین هر کدام حدود و قلمروی خواص خود را دارند و هیچ کدام را نباید تمام واقعیت تلقی نمود و نباید در قلمروی یکدیگر دخالت کنند. طرفداران این نظریه علم و دین را در سه حوزه زبان و غایت، روش و موضوع متمایز می‌دانند.

الف: تمایز علم و دین در هدف و زبان

هدف دین آماده ساختن انسان برای مواجه شدن با خداست و هدف علم کشف واقعیت‌های عالم است. برخی گفته اند تعالیم دینی تنها فقط تنها دارای نقش اخلاقی و توصیه ای است و هیچ سخن توصیفی در باره ی طبیعت ندارد. به قول گالیله دین آمده است برای این که بگوید چگونه به آسمان می توان رفت نه آنکه آسمانها (ستارگان) چگونه می روند .

ب: تمایز علم و دین در روش و موضوع

طرفداران این نظریه معتقدند که نه تنها موضوع و محتوای علم و دین هیچ گونه اشتراکی ندارند بلکه شیوه‌های کسب معرفتشان با هم کاملاً متفاوت است. کارل بارت متاله "نو اورتودکسی" معتقد است که موضوع الهیات تجلی خدا در مسیح است و موضوع علم، جهان طبیعت است. روش دین این است که خدای متعال را تنها از راه تجلی‌اش بر ما بشناساند ولی طبیعت را از راه عقل .

نقد نظریه‌ی تمایز

اشکال این نظریه این است که بخشی از گفتارهای دینی در متون مقدس را نادیده گرفته اند زیرا در هر کتاب مقدس از جمله قرآن در باره ی باد و باران و طبیعت سخن به میان آمده است .

نظریه مکمل بودن علم و دین

طرفداران تعامل علم و دین دو گروهند. گروهی معتقدند که در ناحیه روشها و گروه دیگر معتقدند در زمینه گزاره ها و نظرات ، علم ودین از همدیگر حمایت می کنند .

۳- قرآن ، اعجاز و مصونیت از تحریف

معجزه چیست؟ معجزه پدیده ای است خارق العاده و خارج از نظامات علت و معلول شناخته شده مادی که به منظور اثبات دعوی نبوت هم زمان با تحدی از جانب مدعی نبوت به « اذن خاص » الهی صادر می شود .

راههای شناخت پیامبر

صدق ادعای پیامبران راستین از سه راه قابل اثبات است :

- ۱- قرائن اطمینان بخش ۲- معرفی پیامبر پیشین ۳- معجزه
- معجزه دارای سه ویژگی است :

- ۱- قابل تعلیم و تعلم نیست.
- ۲- مغلوب و تحت تاثیر نیروی قوی تری قرار نمی گیرد.
- ۳- همزمان با دعوی نبوت و تحدی است.

دلایل اعجاز قرآن

قرآن یکی از معجزات پیامبر اسلام است و دلایل معجزه بودن آن عبارت است از :

- ۱- تحدی به متن قرآن
- ۲- امی بودن پیامبر
- ۳- همانندی آیات

تحدی به متن قرآن

یکی از دلایل معجزه بودن قرآن این است که تحدی یعنی طلب مبارزه نموده است. قرآن بارها فرموده است. اگر شک دارید که قرآن از طرف خداست شما هم مانند آن را بیاورید. گاهی فرموده است اگر شک دارید که این قرآن طرف خداست شما نیز مثل قرآن بیاورید و دوباره تنزل کرده و فرموده ده سوره مثل سوره های قرآن بیاورید باز تنزل کرده و فرموده است یک سوره مثل سوره قرآن بیاورید .

مصونیت قرآن از تحریف

اعتبار و حجیت قرآن وابسته به مصونیت قرآن از تحریف است و الا هرگونه استدلال به قرآن مورد تردید قرار خواهد گرفت.

معنا و مفهوم تحریف

تحریف از ریشه "حرف" به معنای لبه، کناره و مرز یک چیز، گرفته شده است و در لغت به معنای مایل کردن، منحرف ساختن آمده است.

اقسام تحریف

الف- تحریف لفظی: مراد از تحریف لفظی این است که آیه یا سوره ای بر قرآن افزایش یابد یا کلمه و حرفی بنحوی دگرگون شود که معنا را عوض کند.

ب- تحریف معنوی: مراد از تحریف معنوی این است که برداشتهای غلط از قرآن صورت گیرد. مراد از تحریف که در قرآن صورت نگرفته تحریف لفظی است و الا تحریف معنوی معنا برداشتهای غلط و یا سوء استفاده از معانی آیات ممکن است

صورت بگیرد .

شواهد تاریخی مصونیت قرآن از تحریف

- ۱- علاقه مسلمانان به حفظ قرآن در صدر اسلام
- ۲- تقدس قرآن در نزد مسلمانان و حساس بودن آنها نسبت به قرآن
- ۳- دستور های پیامبر برای حفظ، تلاوت، کتابت و جمع آوری قرآن
- ۴- مطرح نشدن مسئله تحریف قرآن در ضمن انتقادهای که از سوی صحابه و ائمه اهل بیت به زمامداران شده است .

دلایل روایی مصونیت قرآن از تحریف

- ۱- حدیث ثقلین که قرآن و عترت را دو گوهر گران سنگ داشته و مردم را توصیه به تمسک آنها کرده است اگر قرآن تحریف شده بود تمسک به قرآن مانع گمراهی نمی شد.
- ۲- روایاتی که قرآن را محک تشخیص آراء حق و باطل معرفی کرده است.
- ۳- روایاتی که دستور داده است احادیث را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالف بودن با قرآن کنار بگذارد .

دلایل عقلی عدم تحریف

- ۱- آیات تحدی تحریف
- یکی از دلایل عدم قرآن، تحدی و مبارزه طلبی قرآن است. یکبار می فرماید اگر در قرآن شک دارید مثل آن را بیاورید و بار دیگر می فرماید ده سوره مثل سوره قرآن بیاورید و بار سوم می فرماید یک سوره مثل سوره های قرآن بیاورید .
- از آیات تحدی استفاده می شود که تحریف و تغییر قرآن ممکن نیست و بشر از آن عاجز است .
- ۲- اوصاف قرآن

قرآن، اوصافی مانند فصاحت، بلاغت، حق بودن، عدم اختلاف برای خود بیان می کند که دلالت می کند قرآن تحریف نشده است و الا این اوصاف مخدوش می شد .

دلیل قرآنی عدم تحریف

از جمله مهمترین آیاتی که بر عدم تحریف قرآن دلالت می کند آیه ذکر است که می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»

۴- خاتمیت

پیامبر با توجه به وظایفشان به چند دسته تقسیم می شدند. برخی برای یک قوم و قبیله مبعوث می شوند و صاحب کتاب و قانون نبودند. پیامبران پیش از نوح (ع) از این قبیل بودند. برخی نیز مامور تبلیغ شریعت پیامبران بزرگی مانند ابراهیم و نوح و موسی و عیسی (ع) را به عهده داشتند. بیشتر پیامبران اینگونه بودند مانند حضرت هود، صالح، لوط، اسحاق، اسماعیل، یعقوب، یوسف .

گروه سوم از فرستادگان الهی دارای کتاب آسمانی و شریعت بودند. این عده از پیامبران در اقلیت بوده اند و تنها اسامی پنج تن از آنها در قرآن ذکر شده است .

در میان همه پیامبران، تنها رسالت پیامبر بزرگ اسلام (ص) جهان شمول بوده و تمام مردم مخاطبش بوده است و ویژگی دیگر پیامبر اسلام این است که آن حضرت خاتم پیامبران و دین او و دین آسمانی است .

خاتمیت در قرآن

یکی از ادله خاتمیت آیه شریفه ۴۰ سوره احزاب است که می فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا .

خاتمیت در احادیث

روایات و احادیث فراوانی داریم که بر خاتمیت پیامبر اسلام دلالت دارد. پیامبر اسلام خطاب به علی (ع) فرمودند: «أَمَّا مَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» یعنی آیا نمی خواهی برای من به منزلت هارون برای موسی باشی؟ جز آنکه پس از من پیامبر نخواهد آمد .

پیامبر فرمود: ای مردم بدانید که پس از من پیامبر و آیین و سنت دیگری نخواهد آمد.

مبانی ختم نبوت

الف- جهانی بودن و جاودانگی دین اسلام

آیات فراوان به صراحت دلالت می کنند که دین اسلام دین همه مردم روی زمین است و ویژه قوم و ملت خاصی نیست. و نامه نوشتن پیامبر به سران کشورها دلیل بر این مدعی است. دین اسلام علاوه بر جهانی بودن جاودانه نیز است .

یعنی دین اسلام مخصوص زمان خاص نیست بلکه این همه قرن‌ها و زمان‌ها تا روز قیامت است. علاوه بر آیات قرآنی، حدیث «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ» [۴] بر آن دلالت دارد .

ب- جامعیت دین اسلام

دین اسلام به همه جوانب مادی، معنوی و فردی و اجتماعی پرداخته و از نظر عقل، عدم لزوم نبوت جدید، دلیل بر جامعیت آن است .

ج- مراتب دین

از نظر قرآن حقیقت دین واحد است و همه پیامبران مردم را به یک دین فرا خوانده اند «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و اختلاف ادیان، اختلاف نقص و کمال است نه اختلاف تضاد و تنافی، آنهم بر اساس مقتضیات زمان و نیاز و درک و شعور مردم بوده است .

حکمت ختم نبوت تبلیغی

اسلام که ختم نبوت را اعلام کرد، نه تنها به نبوت تشریعی بلکه به نبوت تبلیغی نیز خاتمه بخشید. چون اولاً بلوغ اجتماعی بشر در زمان ظهور پیامبر اسلام و ثانیاً نصب امام بعنوان دنباله نبوت مانع تحریف و عامل حفظ دین می باشد .

حکمت ختم نبوت تشریعی

الف- اسلام و مقتضیات زمان

یکی از پرسشهای اساسی ختم نبوت این است که بر اساس جاودانگی دین اسلام، قوانین دین ثابت و تغییرناپذیر است. چگونه ممکن است دین اسلام با قوانین ثابت، نیازهای متغیر انسانها را در تمام اعصار و در همه عرصه‌ها برآورده کند؟ برای روشن شدن حقیقت باید مقتضیات زمان را تفسیر کنیم :

۱- یک تفسیر این است که در برابر هر چه زمان خواست تسلیم شوید. این تفسیر نادرست است. زیرا گاهی پدیده‌های بوجود

آمده در زمان مطابق با سعادت بشر نیست. بنابراین وظیفه انسان همیشه انطباق با زمان نیست بلکه گاهی وظیفه او اصلاح و کنترل زمان است .

۲- تفسیر دیگر این است که مراد از اقتضای زمان تقاضای مردم زمان و پسند مردم است. مقتضیات زمان به این معنا نیز معقول نیست .

۳- مراد این است که احتیاجات واقعی بشر در طول زمان تغییر می کند و بشر در هر زمان نیاز خاصی دارد. طبق این تفسیر، محور مقتضیات زمان، نیازهای بشر است. مقتضیات زمان به این معنا پذیرفتنی است .
و اسلام می تواند این نیازها را بر آورده کند. اما اشکال اساسی این است که این ثابت چگونه می تواند راهنمای زندگی متغیر بشر باشد؟

در پاسخ به این پرسش باید بگوییم :

اولا همه نیازمندیهای بشر متغیر نیست بلکه نیازهای انسان به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می شوند. نیازهای ثابت نیازهایی هستند که از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر سرچشمه می گیرد. مانند نیاز به غذا، پوشاک، مسکن، پوشش، علم، زیبایی، احترام و تربیت .

نیازهای متغیر نیازهایی هستند که هر چند از نیازهای اولیه انسان سرچشمه می گیرند اما متغیرند. و در اسلام برای نیازهای ثابت قوانین ثابت و برای نیازهای متغیر قوانین متغیر در نظر گرفته شده است .
ثانیا هرچند توسعه عوامل تمدن نیازهای جدیدی بوجود می آورد ولی موجب تغییر قوانین حقوقی و جزایی و مدنی مربوط به داد و ستد، وکالت و ضمان وراثت و ازدواج نمی شود .

ب- ویژگیهای سیستم قانونگذار در اسلام و عناصر پویایی آن

قانون اسلام برای پاسخگوئی به نیازهای ثابت و متغیر ساز کار مناسبی را در خود فراهم کرده است :

۱- ورود عقل در حریم قانونگذاری

در اسلام، عقل به عنوان منبع قانونگذاری و تشریع به رسمیت شناخته شده است. و در کنار کتاب و سنت و اجماع قرار دارد .

۲- اجتهاد قوه محرکه اسلام

اجتهاد مقوله ای است که می تواند اسلام را با مقتضایات زمان سازگار سازد. با اجتهاد می توان میان قوانین ثابت و متغیر زمان هماهنگی ایجاد کرد. مجتهد فروع را بر اصول بر می گرداند. و توجه به تناسب حکم و موضوع پاسخ نیازهای متغیر را می دهد .

۳- مبتنی بودن احکام اسلامی بر مصالح و مفاسد

احکام اسلامی مبتنی بر مصالح و مفاسد است. اگر بین دو مصلحت تراحم بوجود آید اهم بر مهم و اگر تراحم بین افسد و فاسد باشد، دفع افسد به فاسد می شود .

۴- توجه به احکام اولی و ثانوی

یکی از مسائلی که بر توانمندی اسلام در پاسخگوئی به نیازهای مختلف، کمک می کند تقسیم احکام، به اولی و ثانوی است .
احکام اولی احکامی هستند که مستند به نیازهای ثابت انسانهاست و این احکام جز در موارد خاص اضطراب و تبدل موضوع قابل تغییر نیست مانند وجوب عبادات معین .

احکام ثانوی احکامی هستند، که در هنگام بروز ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی مقرر می‌شود و مبتنی بر علل و انگیزه‌های ثانوی اند. به عبارت دیگر، در شرایطی که مکلف دسترسی به احکام اولیه نداشته باشد، شارع احکام دیگری را مقرر کرده است .

۵- عدم توجه به شکل و صورت ظاهری زندگی

اسلام به اهداف توجه وارد و رسیدن به آن هدف را می‌خواهد. ابزار رسیدن به هدف را به عقل واگذار نموده است و مانعی ندارد از ابراز جدید نیز استفاده کند. مثلاً فرموده مسلمان باید در مقابل دشمن قوی باشد و راه قوی شدن را عقل نیز نشان می‌دهد .

۶- قوانین کنترل کننده

برخی قوانین در اسلام وجود دارد که بر سایر قوانین حاکم است و آنها را تبیین، تفسیر و کنترل می‌کند مانند قاعده "لاضرر" قوانین تا حدی اجرا می‌شود که بر مرز ضرر برسد و در اینجا قاعده لا ضرر آنرا کنترل می‌کند .

۷- اختیارات حکومت اسلامی

در اسلام به حاکم اجازه داده شده است که بصورت عام در امورات دخالت کند و احکامی را در جامعه به اجرا بگذارد. این احکام پیرو شرایط جامعه اند .

۵- قلمرو دین

قلمرو تعالیم و آموزه‌های دینی تا کجاست تا کجا می‌تواند دست بشر را بگیرد؟ و انتظار بشر از دین چیست؟ برای پاسخ به این پرسش سه نکته را متمرکز می‌شویم :

الف- روش شناسی موضوع

در باره شناخت قلمرو اهداف دین دو روش اصلی وجود دارد :

۱- روش برون دینی

در این روش از بیرون به دین نگریسته می‌شود و موضوع انتظار بشر از دین را مطرح می‌کند که بر مبنای انتظار انسان از دین، حدود و قلمرو دین را مشخص می‌کند .

انتظار ما از دین یعنی اینکه دین چه می‌تواند بکند و اصلاً برای چه آمده است. با مشخص کردن انتظارات فرد از دین، هم دین را می‌فهمیم و هم قلمرو هدایت دین را تعیین می‌کنیم این دیدگاه اشکالاتی دارد :

الف- طبق این دیدگاه فهم دین مشروط به تعیین نوع انتظار بشر از دین است در حالی که بدون هیچ انتظاری، فهم متون دینی میسر و ممکن است .

ب- در این روش شناخت قلمرو دین، مبتنی بر شناختی است که انسان از نیازهای خود دارد. از آنجا که هر انسانی ممکن است نیازها و انتظارات خاصی را بای خود در نظر گرفته باشد، شناخت متون دینی و تعیین قلمرو آن شخص خواهد بود .

ج- طبق این نظریه، انسان شناسی مقدم بر دین شناسی است .

د- در این روش، شناخت و تفکیک نیازهای اصلی از فرعی، از ارکان تشخیص اهداف و قلمرو دین تلقی شده است. ولی ملاک نیازهای اصلی و فرعی چیست؟ ممکن است فردی نیاز ی را اصلی و دیگری آن را فرعی بداند .

۲- روش درون دینی

در این رویکرد اعتقاد بر آن است که برای تحریر هدف و قلمرو دین باید به متون دینی رجوع کرد .

ب- سکولاریسم

در اینکه آیا دین مربوط به دنیا و آخرت است و یا مربوط به آخرت است دو نظر وجود دارد. بیشتر دانشمندان غربی معتقدند باید مسائلی که عقل بشر ادراک میکند باید از قلمروی دینی جدا کرد. بر همین اساس دین و سیاست را از هم جد می کنند و سکولاریسم متولد می شود .

علل و عوامل ظهور سکولاریسم

اندیشه دنیوی گری و سکولاریسم معلول علل و عوامل مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱- محتوای متون دینی مسیحیت

در متون دینی مسیحیت شواهدی وجود دارد که بر جدایی دین از حکومت دلالت دارد

۲- فقدان قوانین اجتماعی و حکومتی در مسیحیت

آیین مسیحیت نه تنها فاقد قوانین و نظام اجتماعی است بلکه مسیحیان که خود را تا نیمه نخست قرن یکم میلادی موظف به پیروی از دستورات تورات می دانستند از آن به بعد شریعت حضرت موسی (ع) را که مشتمل بر بعضی احکام اجتماعی بود نسخ و لغو کردند و به دستورات فردی تبدیل کردند .

۳- فساد مالی و اخلاقی در دستگاه کلیسا

۴- جزمیت، مصونیت و خشونت کلیسا

جزم گرایی و انعطاف ناپذیری، تعصب و نقد ناپذیری، رفتار خشونت آمیز کلیسا با مخالفان مثلث شومی است که چهره ی واقعی کلیسا را نشان می دهد. کلیسا در مدت ۸ سال ۸۸۰۰ تن را سوزاندند و بیش از ۹۶۰۰۰ نفر را به کیفرهای مختلف محکوم کردند. دادگاه تفتیش عقاید، دانشمندانی چون گالیله، هوپاتیا و غیره را محکوم کردند .

۵- جنبش اصلاح دینی

رفتار خشونت آمیز و معده های زیاد کلیسا، مردم به ویژه دانشمندان را به عکس العمل وا داشت در نتیجه اصلاح دینی شکل گرفت .

این جریان در شخصی سازی دین و حذف آن از صحنه های سیاسی اجتماعی فعالیت نمود و در پیدایش سکولاریسم نقش بسزایی داشت .

ج- قلمروی دین اسلام

برای تبیین قلمرو دین ایلام شیوه های مختلفی وجود دارد که یکی از آنها بررسی هدف بعثت پیامبران است. هدف از بعثت پیامبر چیست؟ سه تصور وجود دارد :

۱- تفسیر دنیا گرایانه دعوت پیامبران

تفسیر دنیا گرایانه از هدف پیامبران به طور عمده روی ۳ هدف این جهان متمرکز است: عدالت اجتماعی، رفاه و آبادانی این جهان و رهایی از اضطراب ورنج دائمی زندگی دنیوی. این اندیشه از چند جهت قابل نقد است :

الف - پرداختن دین به امور دنیا از اهداف فرعی و تبعی آن به شمار میاید

ب- در تعالیم دینی و پیام پیامبران، مسائل قدسی عالم غیب، سعادت اخروی چنان وافر است که چشم پوشی از آنها ممکن نیست .

ج- دنیوی کردن اهداف پیامبر تنزل دادن مقام پیامبران است .

۲- تفسیر آخرت گرایانه دعوت پیامبران

برخی معتقدند که هدف پیامبران اصلاح آخرت است ولی این تفسیر در بین دانشمندان اسلامی بسیار اندک است

۳- تفسیر جامع گرایانه دعوت پیامبران

در این تفسیر تعالیم پیامبران همه شئون زندگی بشر اعم از زندگی دنیوی و اخروی را شامل می شود.

دلایل نظریه جامع گرا :

الف- دلایل برون دینی

۱- برهانهای فلسفی اثبات ضرورت نبوت : برهانهایی که حکیمان مسلمان برای اثبات ضرورت نبوت اقامه کرده اند، تفسیر جامع گرایانه ی دعوت پیامبران را به اثبات می رساند .

۲- تجربه ناپذیری حیات آدمی : پیام پیامبران نمی تواند ناظر به بخشی از زندگی مردم باشد و بخشی را مورد توجه قرار ندهد .

۳- تعریف امامت : امامت عبارت است از ریاست دین و دنیا. در تفکر شیعه، امامت، تداوم و شعاع نبوت است. شیعه معتقد است که امامت دنباله ی نبوت است و شخص پیامبر به دستور خدای عالم امام را تعیین نموده است .

ب- دلایل درون دینی

۱- اهداف پیامبران در قرآن

قرآن نه تنها آخرت و خدا را هدف بعثت پیامبران می داند اصلاح زندگی اجتماعی و دنیوی را نیز از اهداف رسالت آنان معرفی می کند

۲- سیره عملی پیامبر اسلام

سیره عملی پیامبر اسلام (ص) نشان می دهد که تعالیم دین اسلام برای همه ی شئون زندگی فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی مسلمانان را در بر می گیرد .

۳- جامعیت دین

قوانین اسلام به سه دسته تقسیم می شود:

الف- قوانین مربوط به رابطه ی انسان با خدا

ب- قوانین مربوط به رابطه ی انسان با خودش

ج- آموزه های دینی رابطه ی انسان با دیگران

۴- مهدودیت و احیای دین

حضرت مهدی از اولیای ۱۲ گانه ای است که بر اساس روایات فراوان شیعه و سنی ، پیامبر اکرم (ص) به ولایت آنان تصریح و تاکید کرده است.

۶- اسلام و ادیان آسمانی دیگر

از نظر قرآن ادیان، وحیانی با همه ی جلوه های تاریخیشان دارای ماهیت واحدند و تفاوت آنها در سلسله مسائل فردی و جزئی است که بر حسب مقتضیات زمان و ویژگیهای محیط و مردم متفاوت است.

موضع ما در باره ادیان آسمانی

قرآن تمام ادیان و انبیای گذشته را تصدیق می کند ولی معتقد است که برخی از کتب آسمانی تحریف شده است. انجیل ۴ گانه ی مسیحیان مجموعه روایاتی است که به دست ۴ نفر نوشته شده است و زمان گردآوری آنها را پس از عروج عیسی (ع) یعنی از سال ۷۰ میلادی تا حدود ۱۰۰ میلادی ذکر کرده اند و از طرف دیگر محتوای آنها مخدوش است از جمله راه رفتن خدا در باغ، نزول خدا بر قله ی کوه، سرمستی و زنا ی داود با زن شوهر دار، مستی مکرر لوط و زنا ی او با هر دو دختر به جای مانده از وی و دهها مورد دیگر در تعالیم تورات آمده است.

رویکردهای مختلف درباره ی ادیان

الف- حصر گرایی

مراد از حصر گرایی این است که نجات و رهایی فقط در گروی یک دین است. ادیان دیگر ولو واجد برخی حقایق باشند نمی توانند انسان را به رستگاری برسانند.

دلایل انحصار گرایان

۱- معرفت و ایمان

یکی از راهای رستگاری شناخت حقیقت است و حقیقت بیش از یکی نیست.

۲- فیض و رستگاری

تلاش انسان به جایی نمی رسد مگر اینکه فیض حق دستگیری نماید. و فیض الهی نیز فقط در یک حقیقت تجلی می کند. اشکال این سخن این است که ما چرا باید بپذیریم که خدای متعال فقط یک تجلی دارد. و این ادعای بدون دلیل است.

ب- کثرت گرایی

این نظریه می گوید همه ادیان حقند و همه ی دینداران محق. و این بخاطر اقتضای دستگاه ادراکی ما و چند پهلوی بودن واقعیت است و با صفت هدایت گر خداوند و سعادت جویی آدمیان نیز سازگار است. بنابر این حضرت عیسی (ع) برای مسیحیان و حضرت پیامبر اسلام (ص) برای مسلمانان حق است.

دلایل کثرت گرایی :

۱- واقعیت غایی امور نامتناهی است و همه ی تصاویر گوناگونی که از آن در ادیان مختلف وجود دارد تا اندازه ای درست هستند.

۲- خداوند متعال خیر خواه بندگان و طالب هدایت عموم آنهاست و این اقتضاء می کند که بیشتر انسانها را هدایت یافته و بر طریق صواب و نجات بدانیم والا نمی توانیم از یک طرف بگوییم خدا بندگان را دوست دارد و از طرف دیگر بگوییم اقلیت اندکی از انسانها نجات می یابند.

۳- فهم متون دینی متعدد است. متن دین مانند طبیعت، ذاتاً امر مبهمی است چندین معنا برمی دارد .

نقد دلایل کثرت گرایان

۱- تجربه و تفسیر

کثرت گرایان در استدلال اول خود حقیقت را نامحدود و تصورات مختلف را بخشی از آن حقیقت دانستند یعنی گفتند حقیقت یک چیز است ولی اختلافات ناشی از عوامل انسانی ادراک و زبان است. ولی کثرت گرایان باید پاسخ بدهند که چه راهی وجود دارد تا بتوان تشخیص داد که همه ی ادیان درباره یک واقعیت می گویند. و در قضیه ی فیل و افراد کور ، چه کسی به آنها گفته است که شما از یک حقیقت سخن می گوید و ثانیاً این سخن که هر فرد کوری که فیل را به چیزی شبیه می کند حق می گوید، مستلزم شکاکیت است چون هیچ یک از آنها قبلاً فیل واقعی را توصیف نکرده اند. آنچه که آنها لمس می کردند ستون، مار یا تیغه ی گاو آهن نبود بلکه یک فیل بود و این ادعا که فیل یکی از آنها یا همه ی آنها است ادعای غلط است .

۲- هدایت گری و هدایت یافتگی انسان ها

نقد دلیل دوم این است که هدایت گری خدا به خاطر وجود اختیار در انسان لزوماً مستلزم هدایت یافتگی انسانها نیست.

۳- تنوع فهم متون مقدس

اشکال دلیل سوم این است که تنوع فهم ، مستلزم تکثر مذهبی و فرقه ای می شود نه تکثر دینی. ثانیاً این دلیل فقط سرّ پیدایش کثرت را بیان می کند نه بهر مندی تمام تفاسیر از حقیقت را. مضافاً بر اینکه همه متون مبهم نیستند بلکه برخی از آنها روشنند و اختلاف در فهم به وجود نمی آید .

ج- مشمول گرایی

مشمول گرایان دو سوال مطرح می کنند و به هر یک پاسخ جدا گانه می دهند سوال اول اینکه آیا دینی وجود دارد که حق مطلق باشد یا نه؟ سوال دوم اینکه اگر چنین دینی وجود داشته باشد آیا راهی خارج از این دین برای نجات وجود دارد یا نه؟ درباره ی سوال اول می گویند: تنها یک دین حق وجود دارد و راه رستگاری نیز همان دین حق است با این حال پیروان سایر ادیان نیز تا اندازه ای می توانند رستگار شوند .

صورت های مختلف مشمول گرایی

۱- شمول عفو: دین حق واحد است ولی پیروان صدیق سایر ادیان نیز مورد عفو خدا قرار می گیرند .

۲- شمول به دلیل حقایق : یک دین، حق مطلق است و سایر ادیان نیز بهره ای از حق دارند، پیروان آنها نیز به اندازه ی بهره مندی از حق نجات پیدا می کنند .

۳- شمول کفاره : تنها یک دین حق است و راه رستگاری همان دین است ولی خداوند مصلوب شدن عیسی (ع) را کفاره پیروان سایر ادیان قرار داد .

۴- نسبیت در بهره مندی از حقیقت

تمام ادیان از حق بهره مندند ولی برخی بیشتر و برخی کمتر نه حق مطلق داریم نه باطل محض.

بخش دوم: امامت و مهدویت

۱- حقیقت امامت

طرح مسئله

تمام دانشمندان مسلمان معتقدند که باید کسی جانشین پیامبر باشد ولی در اینکه آیا جانشین پیامبر انتصابی است یا انتخابی بین علماء اختلاف است.

تعریف امامت

امام به معنای پیشوا، مقتدا، پیشرو و سرپرست آمده است، در اصطلاح متکلمان، مفهوم امامت از چند مؤلفه تشکیل شده است:

۱- جانشینی پیامبر اسلام (ص)

۲- ریاست عامه

۳- واجب الاطاعه بودن

تفاوت شیعه و سنی در تعریف امامت

گرچه با ملاحظه ی تعاریف ارائه شده از سوی علمای اهل شیعه و تسنن به نظر می رسد میان شیعه و سنی تفاوتی وجود ندارد ولی حقیقت این است که امامت از دیدگاه شیعه و سنی کاملاً متخالف است. شیعه بحث امامت را بحث کلامی و تعیین امام را کار خداوند می داند در حالی که اهل سنت آن را بحث فقهی و افعال متکلمان می دانند .

تعیین امام

در میان اهل سنت نظریه ی واحدی در تعیین امامت وجود ندارد و لی مجموع آن نظرات این است :

۱- انتصاب امام پیشین

۲- انتخاب حل و عقد

و در اینکه تعداد اهل حل و عقد چند نفر باشند اختلاف دارند. ولی شیعه معتقد است که امام باید از طرف خدا معین شود .

۲- ضرورت امامت از دیدگاه عقل

به دیدگاه شیعه انتصاب امام کار خداوندی است و بر خداست که برای هدایت مردم امام را منصوب کند و بر ضرورت انتصاب امام بر خداوند از دو راه لطف و حکمت اثبات می شود بدین بیان که نصب امام لطف است و لطف بر خدا واجب است پس نصب امام بر خدا واجب است. و مراد از لطف آن است که بندگان با آن به انجام مأموریت ترغیب می شوند. و اما برهان حکمت این است که حکمت الهی اقتضای سعادت بشر را دارد و با توجه ختم نبوت حکمت الهی اقتضا می کند که خداوند جانشینی برای پیامبر تعیین کند تا مردم را هدایت کند .

مرجعیت علمی امام

امام مرجع تفسیر تبیین اصول و فروع و معارف بلند اسلام است .

مرجعیت سیاسی امام

یکی از مسئولیت امام، مرجع بودن آن در مسائل سیاسی امت اسلامی است. در باب جهاد و صلح، حکومت و مدیریت نظر امام مطاع است .

۳- ضرورت امام از دیدگاه نقل

در کتاب و سنت آیات و روایات فراوانی وجود دارد که بر ضرورت امامت دلالت دارد ما به چند نمونه آن اشاره می کنیم :

۱- آیه ۵۵ سوره مائده « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ »

۲- حدیث ثقلین ، پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ » یعنی «ای مردم به راستی ک هذو چیز گرانها را در میان شما به یادگار می گذارم که اگر آن را برگزفتید، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و خاندانم اهل بیتم ، آنها از هم جدا نمی شوند مگر اینکه در حوض بر من وارد شوند»

۳- حدیث غدیر، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» یعنی «هرکه من مولای او هستم علی مولای اوست»

۴- حدیث منزلت ، پیامبر خطاب به علی (ع) فرمودند: «تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز آنکه پس از من پیامبری نیست " .

عصمت امام

بر اساس حدیث ثقلین، عترت پیامبر در هدایت امت، هم طراز قرآن کریم است و تمسک به فعل و قول آنها چون اطاعت قرآن، واجب است. مقتضای وجوب اطاعت مطلق و هم طراز قرآن بودن، «عصمت» و مصونیت در گناه و خطا در مقام تبلیغ و عمل به دین است.

۴- مهدی موعود

ما معتقدیم فرزندی از فرزندان امام حسین(ع) که نام و کنیه اش همان نام و کنیه پیامبر است زنده بوده و روزی قیام کرده جهان را پس از آنکه پر از ظلم شده است، پر از عدل و داد می کند.

مبانی مهدویت

بحث مهدویت عصاره روایات متواتره و قطعی الصدوری است که از طرق شیعه و سنی نقل شده است و مبانی اسلامی و غیر اسلامی فراوانی بر آن دلالت داد :

۱- بشارت ادیان پیش از اسلام

منجی موعود از ویژگیهای اندیشه بشری است و تمام قوم و ملت نوعی به آن معتقدند. در آیین یهود، حضرت مسیح، در آیین هندی فردی به نام «کلکی» و در آیین بودا «بودای پنجم»، در آیین زرتشت، عنوان «سوشینت» مطرح شده است .

۲- بشارت قرآن کریم

خداوند فرمود: در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من وارث زمین خواهند شد. و فرمود: و اراده کرده ایم که بر ناتوان شدگان منت بنهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم .